

# سیره اجتماعی

## رهبری مبارزات سری

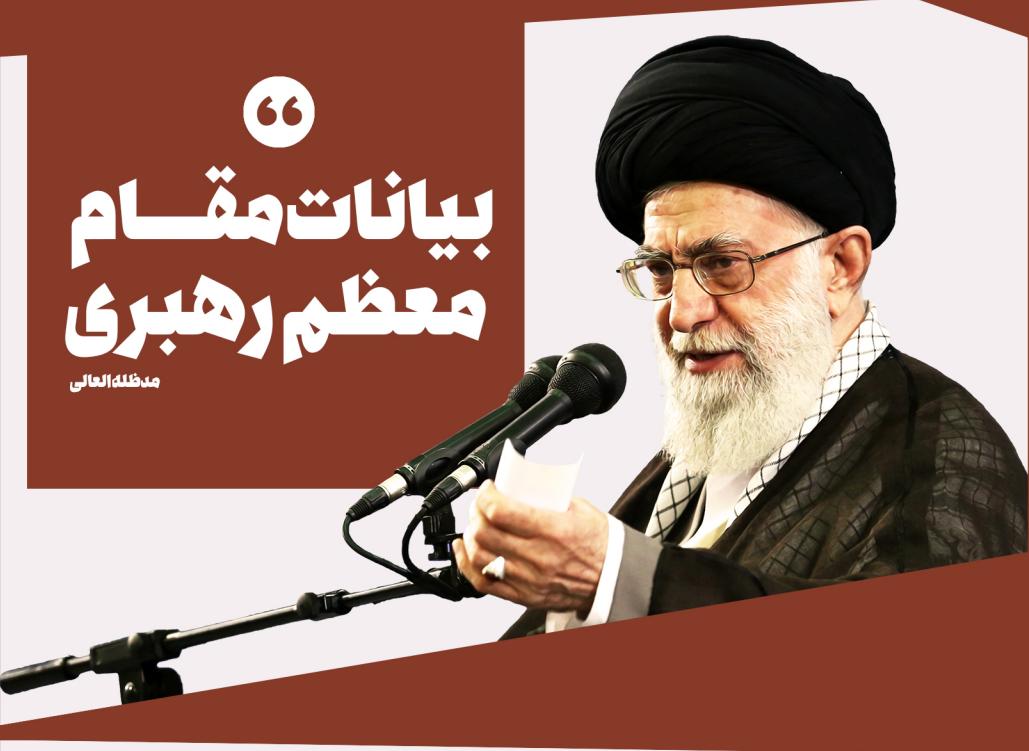
پیشوای یازدهم علی رغم فشارهای شدید سیاسی و با وجود حضور اجباری در مناطق نظامی و تحت کنترل، با تیزبینی خاصی با دوستان و شیعیان خویش ارتباطی عمیق ایجاد کرده بود.

به عنوان نمونه: امام حسن عسکری علیه السلام در یکی از روزهای امداد بن اسود را فرا خوانده و چوبی گرد و دراز به اندازه کف دست در اختیارش گذاشت و دستور داد که آن را به عثمان بن سعید عمری از افراد مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام و اولین نائب خاص حضرت مهدی علیه السلام برساند.

او می‌گوید: به قصد اجرای فرمان حضرت عسکری علیه السلام به راه افتادم. در راه با سقاوی روبه رو شدم که استرش راه را سد کرده بود. من آن چوب را به هدف راندن استربالا برده و به حیوان زدم. ناگهان چوب شکسته و شکاف برداشت، چون چشمم به قسمت شکافته چوب افتاد نامه هایی را دیدم که در داخل آن جاسازی شده بود. با عجله چوب را در آستینم پنهان کردم. در این حال مرد سقا شروع کرد به داد و فریاد کردن، به من و سرورم دشنام می داد. بعد از انجام ماموریت، به خانه امام علیه السلام بازگشتم. عیسی از خدمتگزاران آن حضرت به نزد آمد و گفت: مولاًی تو می‌گوید: «چرا استرازدی و چوب راشکستی؟! دیگر کاری نکن که نیازی به عذرخواهی داشته باشد و از تکرار خطای خود خودداری نما. اگر شنیدی کسی به ما دشنام می دهد اعتنان کن و از معرفی خود پرهیز کن، چون مادر سرزمینی بدزندگی می کنیم. پس راه خود را برو و بدان که اخبار و احوال توبه ما می رسد.

انوار البهیة، ص۲۰

## ” بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی



حضرت عسکری علیه السلام در همان شهر سامرا، که در واقع مثل یک پادگان بود توانسته بودند بایک شبکه‌ی عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی این همه ارتباطات را با سرتاسر دنیا اسلام تنظیم کند. فقط این نبود که مسائل نمازو روزه یا طهارت و نجاست را جواب بدهند؛ در موضع «امام» با همان معنای اسلامی خودش قرار می‌گرفتند و با مردم حرف می‌زدند.  
۸۲/۲/۲۰

موافقان، شیعیان، مخالفان، غیر معتقدان، همه، به فضل امام حسن عسکری سلام الله عليه، به علم او، به تقوای او، به طهارت او، به عصمت او، به شجاعت او در مقابل دشمنان، به صبر و استقامت او در برابر سختیها، شهادت دادند و اعتراف کردند. این انسان بزرگ، این شخصیت باشکوه، وقتی به شهادت رسید، فقط بیست و هشت سال داشت، این می‌شود الگو.  
۹۰/۱۲/۱۰

# نکین سامرا

## نکاتی از زندگانی امام عسکری علیه السلام



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

ای خدا درود فرست بر حسن فرزند علی بن محمد علیه السلام

الْبُرِّ التَّقِيُّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيِّ

که آن بزرگوار نیکوکار و پرهیزکار و صادق و وفادار بود نور فروزنده

خَازِنِ عِلْمِكَ وَالمُذَكَّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيٌّ

و خزینه دار علم تو و یاد آورنده مقام توحید و یکتایی و صاحب

أَمْرِكَ وَخَلْفِ أَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاءِ الرَّاشِدِينَ وَ

فرمان تو و جانشین پیش—وایان دین و هادیان و رهبران خلق و

الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ

حجت خدا بر اهل دنیا بود پس خدایا براو درودی فرست

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِّنْ أَصْفِيَائِكَ وَ

بهتر از هر درودی که بر احمدی از خاصان و بندگان خالص و

حَجَّجَكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

حجتهای خود بر خلق و فرزندان رسولانت فرستادی ای خدای تمام عوالم وجود

## چند حدیث

الْتَّوَاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهِ

تواضع، نعمتی است که کسی برآن حسد نمی‌ورزد.

(تحف العقول، ص ۳۶۳)

أَقْلَّ النَّاسِ رَاحَةً الْحُقُودُ

شخص کینه‌ای، کم آسایش ترین مردم است.

(تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۸۹۳)

مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهَرَ جَارِ إِنْ رَأَى حَسَنَةً  
أَطْفَأَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشاها

یکی از بلاهای کمرشکن همسایه‌ای است که چون خوبی  
بینندگانش سازد و چون بدی بینندگانش نماید.

(تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۸۹۱)

الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ  
ختشم کلید هر بدی است.

(تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۸۹۳)

### پاسخ به پرسش‌های روز

یکی از مهم‌ترین موارد در سیره اجتماعی امام عسکری علیه السلام پاسخ گویی به شباهه‌های فرهنگی و دینی جامعه بود.

ابوهاشم جعفری می‌گوید: روزی ابوبکر فهfkی از امام یازدهم پرسید: چرا زن بی نوادراث یک سهم و مرد دو سهم می‌برد. امام فرمود: «چون جهاد و پرداخت مخارج به عهده زن نیست و نیز پرداخت دیه قتل خطاب رعهد مردان است و بربزنهای چیزی نیست.

ابوهاشم در ادامه می‌افزاید: من پیش خود گفتم که قبل از شنیده بودم «ابن ابی العوجا» از امام صادق علیه السلام همین را پرسید و همین جواب را شنید. در این هنگام که از قلب من چنین سخنی خطور نمود، حضرت رو به من نموده و فرمود: «آری، این سؤال ابن ابی العوجاء است و وقتی سؤال همان است، پاسخ ما نیز همان خواهد بود. اول و آخر ما در علم و منزلت مساوی هستند و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان فضیلت و امتیازشان ثابت است.

پیشوای یازدهم، ص ۲۴ و ۲۵